

# چارلی کرک؛ معمار نسل زد محافظه‌کار

مرگ او شاید یک رویداد تکان دهنده باشد، اما میراثش در بازتعریف سیاست و فرهنگ جوانان آمریکایی همچنان زنده است؛ از سازماندهی دانشگاهی تا ساخت شبکه‌ای از اینفلوئنسرها، کرک پایگاه رأی جمهوری خواهان را جوان کرد



▲ چارلی کرک در کمپین انتخاباتی ترامپ کلاه مخصوص را به هواداران می‌دهد

«چارلی کرک» که اخیراً در آمریکا ترور شد، یکی از شخصیت‌های مهم در شکل دهی به طرفداران جمهوری خواهی، به ویژه در میان جوانان، بود. پیام او چگونگی در میان محافظه‌کاران انعکاس یافت و چه چیزی او را تبدیل به معمار پایگاه رأی جمهوری خواهان در میان جوانان کرد؟ این مقاله به قلم «کریستین پاز» از نشریه فوکس در پی یافتن پاسخ‌هایی برای این سؤال است.

در ساعات و روزهای پس از کشته شدن «چارلی کرک»، واکنش‌های گسترده‌ای از سوی افراد مختلف، به‌ویژه جوان‌ترها، مشاهده شد. بسیاری از آن‌ها ندوه و شوک خود را از طریق اخبار، استوری‌های اینستاگرام یا پخش زنده تیک‌تاک به اشتراک گذاشتند. این گروه تنها شامل محافظه‌کاران شناخته‌شده یا طرفداران وفادار ترامپ نبود؛ بلکه افرادی به‌ظاهر بی‌طرف و غیرسیاسی، مانند همکلاسی‌های قدیمی یا دوستان شهر زادگاهش، که پیش‌تر تقریباً هیچ واکنشی نسبت به رویدادهای روز نشان نمی‌دادند، نیز در میان آن‌ها بودند. چنین واکنش‌هایی نشان دهنده نفوذ کرک در میان جوانان است و همزمان حاکی از آن است که سبک سیاست‌ورزی او ممکن است حتی پس از مرگش نیز ادامه یابد.

کرک چهره‌ای نسل‌ساز بود که برای دنبال کنندگان، متحدان و حتی رقبای سیاسی خود، معنای سیاست، رسانه سیاسی و فرهنگ نسل زد (GEN Z) در آمریکا را بازتعریف کرد. برای درک این تأثیر ماندگار و فهم این که چرا او در میان نسل زد طنین انداز شد، شاید بد نباشد عناصر جذابیت او را بررسی کنیم.

## بازتعریف محافظه‌کاری

حداقل برای نسل زد محافظه‌کار، کرک جایگاهی اسطوره‌ای داشت. او از هیچ شروع کرد؛ مؤسس ۱۸ ساله یک گروه کوچک و نامرتب از فعالان که پیش از ۳۱ سالگی به چهره‌ای تعیین کننده در اردوگاه محافظه‌کاران بدل شد. کرک خود را به شاخه‌ای از حزب جمهوری خواه گره زد و تبدیل به عضوی غیرقابل جایگزین شد. سال گذشته، دونالد ترامپ به لطف چنین عضوی با سطح حمایتی کم‌سابقه‌ای از رأی‌دهندگان جوان دوباره به ریاست جمهوری رسید؛ حمایتی که از دهه ۲۰۰۰ تا کنون برای هیچ جمهوری خواهی دیده نشده بود. کرک به‌طور گسترده‌ای به‌عنوان یکی از عوامل اصلی این موفقیت شناخته می‌شد، به‌ویژه از طریق سازمان غیرانتفاعی‌اش که تمرکزش بر جذب جوانان بی‌تفاوت یا منفعل، به‌ویژه مردان جوان بود. سازمانی که کرک پایه‌گذاری کرد، یعنی «نقطه‌تغییر آمریکا» (TURNING POINT USA)، در سال ۲۰۱۲، به‌عنوان گروهی کوچک و پراکنده شروع به کار کرد و تلاش می‌کرد در هر دانشگاهی جای‌پایی پیدا کند. در همان سال نخست تأسیس، این سازمان حدود ۹۲۰۰ دنبال کننده در فیس‌بوک جذب کرد، ۱۵ شعبه دانشگاهی ایجاد نمود و ۴۰ وبلاگ نویس داشت. به گفته ریچل جانفازا، نویسنده، پژوهشگر و مشاور نسل زد در دهه ۲۰۲۰، سازمان «نقطه‌تغییر آمریکا» عملاً به «بخش جوانان حزب جمهوری خواه» تبدیل شده بود؛

شبکه‌ای عظیم با بیش از ۸۰۰ شاخه دانشگاهی، میلیون‌ها دنبال کننده در شبکه‌های اجتماعی و نزدیک به ۱۰۰ میلیون دلار کمک مالی در سال ۲۰۲۴ که از دیگر سازمان‌های جوان‌محور راست‌گرا نیز پشتیبانی می‌کرد. پیش از ورود این سازمان به دانشگاه‌ها، تنها پوسته‌ای از گروه‌هایی مثل جمهوری خواهان دانشگاهی یا جمهوری خواهان جوان وجود داشت که تأثیرگذار نبودند. جانفازا می‌گوید «جو میچل»، نماینده پیشین ایالت آیووا که کرک مشاور او بود، گفته است: «سازمان نقطه‌تغییر آمریکا تازه و باحال بود. مردم واقعاً می‌خواستند در رویدادهای آن شرکت کنند و لازم نبود برای حضورشان التماس کنید.»

کرک به میچل کمک مالی و مشاوره‌ای داد تا سازمان غیرانتفاعی خودش، یعنی RUNGENZ، را راه‌اندازی کند؛ نهادی که هدفش انتخاب جوانان محافظه‌کار به مقامات محلی و ایالتی بود. او همین نوع حمایت و بسترسازی را برای یک نسل کامل از فعالان جوان محافظه‌کار فراهم کرد؛ اما «نقطه‌تغییر آمریکا» تنها مسیر جدیدی برای سازمان دهی نبود؛ بلکه نگاه به محافظه‌کاری در دانشگاه‌ها را تغییر داد و آن را از مجموعه‌ای صرفاً سیاسی به یک هویت اجتماعی و فرهنگی جریان‌ساز بدل کرد.

جانفازا از میچل نقل می‌کند: «او (کرک) از نظر فرهنگی بازی را کاملاً تغییر داد؛ تعیین کرد چه چیزی باحال است و مردم می‌خواستند بخشی از آن باشند. همین تأثیر بزرگی بر نحوه دیده شدن جنبش محافظه‌کاری در سال‌های اخیر گذاشت. حالا محافظه‌کار بودن خیلی بیشتر باحال و پرنرژیی به نظر می‌رسد و دیگر فقط تصویر پیرمردهای سفیدپوست کسل کننده نیست. وقتی به رویدادهای نقطه‌تغییر آمریکا می‌رفتید، جمهوری خواهان اقلیت، محافظه‌کاران سیاه‌پوست و ائتلاف یهودی‌ها را هم می‌دیدید.»

با ترکیب همایش‌های سالاته‌ای چون «اجلاس رهبری جوانان سیاه‌پوست»، «اجلاس رهبری زنان جوان» و «اجلاس رهبری جوانان یهودی» به‌همراه کنفرانس اصلی و سالاته «نقطه‌تغییر آمریکا»، محافظه‌کاران جوان به فضاهای گسترده‌ای در دانشگاه‌ها و رویدادهای ملی دست یافتند؛ فضاهایی با تولید حرفه‌ای به سبک فستیوال‌های بزرگ و حضور ستاره‌های رده‌اول سیاسی. میچل می‌گوید: «دونالد جونیور، تاکر کارلسون و خود رئیس‌جمهور می‌آمدند. هر سخنران پرتعداد جدید در

دنیای محافظه‌کاران در یکی از رویدادهای نقطه‌تغییر آمریکا حضور داشت.»

همین «باحال بودن» تازه محدود به سیاست نبود؛ بلکه در فرهنگ عمومی نیز نفوذ پیدا کرد و به این احساس دامن زد که جامعه به‌طور کلی در حال حرکت به سمت راست است. جانفازا ادامه می‌دهد: «جمهوری خواهان در دهه ۲۰۲۰ در رمزگذاری سیاسی فرهنگ فوق‌العاده عمل کردند و این کار چارلی بود. ورزشکاران، سلبریتی‌ها و افراد دیگر وارد میدان شده و موضع می‌گرفتند. این کار برای هر کسی ممکن نبود؛ او در این زمینه منحصر به‌فرد بود و مردم به نقشی که در فضای فرهنگی ایفا می‌کرد احترام می‌گذاشتند.»

## تسلط بر افکار عمومی

تسلط کرک بر شبکه‌های اجتماعی یکی دیگر از مهارت‌های او بود. او نحوه انتشار و گسترش بحث‌های سیاسی را تغییر داد، در حالی که برند شخصی‌اش را فزاینده‌تر از حامیان خود و تادل فرهنگ جریان اصلی بسط داد. بی‌راه نیست اگر بگوییم طرفداران و حتی مخالفانش با او نوعی پیوند صمیمی برقرار کرده بودند؛ همان‌طور که با یک سلبریتی، هنرمند یا یادکستر چنین می‌کنند. این چیزی به‌راحتی قابل شناسایی بود؛ صدایش در اینترنِت همه‌جا حاضر بود، چه در ویدئوهایی که دیدگاه‌هایش را تبلیغ و به اشتراک می‌گذاشت، چه در واکنش‌ها و پاسخ‌های مخالفان سیاسی و منتقدانش. او به‌قدری شناخته‌شده بود که حتی در برنامه‌های تلویزیونی مانند «ساوت پارک» دستمایه شوخی و تقلید قرار گرفت.

جانفازا درباره گفت‌وگوهای اخیرش با جوانان بعد از ترور کرک می‌گوید: «خیلی‌ها می‌گفتند احساس می‌کردند او را می‌شناختند، درحالی که هرگز چنین نبود. این چیزی نادر است. شما چنین حس‌ی را نسبت به سلبریتی‌ها یا ورزشکاران یا چهره‌های عمومی دارید؛ اما این که یک شخصیت سیاسی بتواند چنین نوع جذابیت و حس درگیری ایجاد کند، در عصر امروز سیاست خیلی کم‌یاب است.»

موفقیت کرک تا حد زیادی به شیوه استفاده و سازگاری سریع او با اکوسیستم در حال تغییر سیاست و رسانه‌های اجتماع‌ای‌بازی‌م‌گردد؛ از طریق کلیپ‌های کوتاه و گزیده از یادکست‌ها، مواجهه‌های رودرو مانند همان جلسه‌ای که در آن ترور شد و همچنین مناظره‌های طولانی‌تر به سبک «یک نوجوان بیدار در برابر ۲۰ طرفدار ترامپ» که

حالا به‌سرعت ویرال شده است.

جانفازا معتقد است: «بسیاری از ویدئوهای او که بسیار ویرال شده، مربوط به رویدادهای حضوری بودند. همان ویدئوهای مناظره، این‌ها اتفاقاتی بودند که در حضوری رخ می‌دادند و همین باعث می‌شد این قدر پربیننده شوند.»

این حس از ارتباط رودرو، حس نزدیکی میان او و مخاطبانش را تقویت کرد و در عین حال نحوه تولید و انتشار محتوای دیگر اینفلوئنسرهای محافظه‌کار و لیبرال را هم تغییر داد.

میچل می‌گوید: «او از جسی واترز، تاکر کارلسون و بن شاپیرو هم جلوزده بود و نفر اول بود. او به گروه‌های جمعیتی و سنی بسیار متنوعی دسترسی پیدا کرده بود و زوایای گوناگونی را پوشش می‌داد.» و ادامه می‌دهد: «موضوع فقط این نبود که کرک یک یادکست داشت یا یک سازمان جوانان یا یک برنامه‌ی مذهبی؛ بلکه مسئله این بود که او شبکه‌ای از اینفلوئنسرهای جوان محافظه‌کار ساخته بود؛ افرادی مانند کندیس اوونز، بنی جانسون و الکس کلارک، شبکه‌ای رسانه‌ای ویژه محافظه‌کاران جوان که هم خوراک رسانه‌ای آن‌ها را اشباع می‌کرد و هم الگوهای الهام‌بخشی از نوع فعالان و سخنرانانی ارائه می‌داد که برخی جوانان محافظه‌کار می‌خواستند مثل آن‌ها باشند.»

## بنای یک فرهنگ اعتراضی نوین

کرک به ویژگی‌های خاص نسل زد (GEN Z) متصل شده بود؛ نسلی که نسبت به نسل‌های جوانان قبلی، در عین حال که پیشروتر، جمهوری خواه‌تر هم محسوب می‌شود. در مرکز این موضوع، رد کردن «ساختار مستقر» قرار داشت. با آن که بدنه اصلی آمریکا در دهه ۲۰۱۰ بیشتر به سمت پیشرفت‌گرایی می‌رفت، رد کردن وضع موجود از سوی برخی جوانان و بی‌اعتمادی آن‌ها به نهادها و صدهای تثبیت‌شده در سیستم حکمرانی، نوعی خرده‌فرهنگ اعتراضی در میان نسل جدید ایجاد کرد. این امر باعث شد که نسل زد در پنج سال گذشته بیش از پیش پذیرای بحث آزاد، موشکافی و تردید باشد. به همین دلیل بود که این نسل نسبت به دعوت‌های محافظه‌کارانه و جمهوری خواهانه با روی باز واکنش نشان داد.

بعد از ترور کرک مدام می‌توان از جوان‌ها شنید که «شاید با همه‌ی حرف‌هایش موافق نبودند، اما در زمانه‌ای که آزادی بیان برای جوان‌های آمریکایی اولویت شده است، صرف وجود چنین گفت‌وگوهایی برایشان قابل احترام بود.»

جانفازا معتقد است که بخشی از نارضایتی جوانان از وضع موجود و از رهبران و نسل‌های قدیمی‌تر، از مدیران دانشگاه گرفته تا سیاستمداران یا دیگر فعالان، این حس است که «آن‌ها می‌ترسند به برخی موضوعات بپردازند.» اما کرک درباره هر چیزی حرف می‌زد و «همین نکته کارش را چشمگیر می‌کرد. او دقیقاً روی همین حس دست گذاشته بود و کاملاً آگاه بود که مردم می‌خواهند این گفت‌وگوها را داشته باشند، گفت‌وگوهایی بحث‌برانگیز.» این که کرک گاهی سخنان جنجالی یا حتی متعصبانه می‌گفت، چیزی نبود که جوان‌ها و حتی بعضی مخالفانش را از او دور کند. برند او و شیوه عملش بر پایه باور به آزادی بیان و دعوت به مناظره بود؛ این که فرصتی برای مخالفت با کسی داشته باشید و در این مناظرات استدلال‌های خود را قوی‌تر کنید. چنین مدلی از مناظره در زمانی شکل گرفت که نسل زد حاضر نبود خودش را در قالب‌های بسته ایدئولوژیک یا حزبی تعریف کند.

آن چنان که جانفازا برداشت می‌کند: «جوان‌ها نمی‌خواهند در یک طرف یا طرف دیگر گیر بیفتند؛ باورهایشان طراقت دارد، می‌توانند کمی از این دیدگاه بردارند و کمی از آن دیدگاه، می‌خواهند بشنوند، جایگاهشان به چالش کشیده شود. کرک فضایی برای این کار ایجاد کرده بود و حالا (با ترورش) چیز زیادی از دست خواهد رفت.»

منبع: VOX

## چارلی کرک که بود؟

عین نفوذ رسانه‌ای گسترده، به دلیل مواضع جنجالی و قطبی‌سازی در پردیس‌ها با انتقادهای جدی روبه‌رو شد. مرگ کرک در سال ۲۰۲۵، هنگام سخنرانی در یک دانشگاه و بر اثر حمله مسلحانه، موجی از واکنش‌ها درباره خشونت سیاسی و میراث او برانگیخت. بسیاری او را به‌خاطر انرژی و نفوذش تحسین کردند و عده‌ای دیگر او را به دلیل لحن تند و روش‌هایش محکوم. تأثیر واقعی او، چه در رشد سازمانی و چه در افزایش شفاف‌های سیاسی، همچنان محل بحث و بررسی خواهد بود.

چارلز جی. کرک، متولد ۱۹۹۳، فعال سیاسی محافظه‌کار و بنیان‌گذار یکی از پرنفوذترین سازمان‌های جوانان در ایالات متحده بود. او در سال ۲۰۱۲، در حالی که هنوز نوجوان بود، «نقطه‌تغییر آمریکا» (TURNING POINT USA) را تأسیس کرد و آن را به شبکه‌ای ملی با صدها شعبه در دانشگاه‌ها بدل ساخت. این سازمان با کنفرانس‌ها و رویدادهای پرشمار، به محور فعالیت سیاسی جوانان جمهوری خواه تبدیل شد. چارلی کرک با بهره‌گیری از رسانه‌های نو رویدادهای دانشگاهی، جوانان جمهوری خواه را سازمان دهی و به سیاست جذب کرد. او در